

تفکر سیستمی در سازمان

سیستم متشکل از عناصر وابسته به هم و متصل است که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر یکدیگر اثر می گذارند. امروزه تفکر سیستمی در سازمانها سبب شده است تا مدیران و کارآفرینها شرکت خود را به نحو مؤثرتری اداره کنند. در تفکر سیستمی، سازمان همانند یک سیستم کامل است که کوچکترین تغییر و فعالیتی در یک بخش، سایر قسمتها را تحت تاثیر قرار می دهد و در نهایت کل سیستم را تحت تأثیر قرار می دهد.

تفکر سیستمی چیست؟

تفکر سیستمی یک رویکرد ساختار یافته و هدفمند است. تفکر سیستمی یک سبک زندگی شخصی و حرفه ایی است. این روش به افراد موفق کمک می کند تا با رسیدن به راه‌حل‌های عملی و قابل اجرا، چه در تجارت و چه در زندگی، مشکلات را حل کنند.



پیتر سنگه یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه تفکر سیستمی بیان می کند که: « تفکر سیستمی یکی از پنج دستورالعملی است که یک سازمان یادگیرنده باید از آن پیروی کند.»

در این مقاله، می خواهیم درباره‌ی اینکه چگونه می توانید عادت تفکر سیستمی را در خود پرورش دهید؟ صحبت کنیم اما ابتدا مراحل تفکر سیستماتیک را به صورت مختصر بیان می کنیم.

مراحل تفکر سیستمی

مراحل تفکر سیستمی برای حل مشکلات عبارتست از:

۱. قبل از شروع به کار، مشکل را شناسایی و تحلیل کنید.
۲. چندین گزینه را تدوین کنید.
۳. معیارهای منتخب را مشخص و تعیین کنید

۴. جسور باشید و تصمیم نهایی را بگیرید.

۵ گام برای دستیابی به تفکر سیستمی

شما می‌توانید دستیابی به تفکر سیستمی که یک فرایند بی پایان است از در هر سنی شروع کنید. گرچه آموختن زود هنگام آن مزیت بزرگی محسوب می‌شود.

۱. انتظارات را بالا ببرید

با عبور از هر مانعی شما می‌توانید با گام‌ها کوچک فکر کردن را آغاز کنید تا راه برای رسیدن به هدف‌های بزرگتر هموار گردد. این اولین گام برای داشتن تفکر سیستمی است.

۲. در موعد مقرر تصمیمتان را بگیرید

زود و سریع تصمیم گرفتن ممکن است راه حل‌های شگفت‌انگیزی ایجاد کنند، اما همیشه اینگونه نیست. در تفکر سیستمی با پیچیده‌تر شدن مشکلات تجاری و زندگی با پیشروی در مسیر، جستجوی راه حل سریع می‌تواند یک اشتباه بزرگ باشد. تفکر جدی و طولانی مدت در مورد مشکلات می‌تواند راه را برای اطلاعات مفید باز کند.

۳. مخالفت با افسانه‌ها

تفکر سیستمی به شما می‌آموزد که مشکلات پیچیده گاهی نیازمند تفکر بنیادی هستند. جرأت کنید با اسطوره‌ها مخالفت کنید. گالیله این باور طبیعی را که زمین گرد نیست، منسوخ کرد. اگر گالیله گرد بودن زمین را نمی‌فهمید دور زدن زمین مشخص نمی‌شد. در عوض، او تصمیم گرفت به شیوه‌های رادیکال فکر کند. در طول تاریخ ثابت شده است که، کسانی که نتوانسته‌اند وضع موجود را به چالش بکشند، اغلب اشتباه کرده‌اند.

۴. افکار خود را کانالیزه کنید

مستندسازی و ثبت افکار به شما کمک می‌کند تا همه چیز را در یک چشم‌انداز قرار دهید و آنها را برای بررسی‌های بعدی ذخیره می‌کند. ایده‌ها و افکار زیادی هر روز به ذهن افراد می‌رسد. حتی افکار غیرمعمولی نیز قبل از دور انداختن آنها باید بررسی شوند. توماس ادیسون چندین سال طول کشید تا آن لامپ را بسازد و گزینه‌های مختلف را امتحان کرد، اما او هرگز ثبت هر یک از مراحل خود، از جمله شکست‌ها را فراموش نکرد، که در نهایت مانع از تکرار اشتباهاتش شد.

۵. در یک بازه زمانی کار کنید

برای حل یک مشکل خاص، یک بازه زمانی مشخص در اختیار خود قرار دهید. در غیر این صورت، ممکن است هرگز به پایان نرسید.



تفکر سیستمی به شما ابزارهایی را می‌دهد که برای کارآمدتر و مؤثرتر بودن تفکر و حل مشکلات خود به آن نیاز دارید.